سرمقاله

بی توجهی دولت به خدمات صحی، رفاهی و شهری

محمدرضا هویدا

وضعیت شـــهرهای افغانســـتان به گونه ای است که به تدریج از حالت شهر بودن خارج می شـــوند. تپه های بزرگی از زباله های شـــهری، محلات تجمع معتادان، حضور پر شمار دستفروشان ، گداها و ... در مراکز شـــهرها به خصوص کابل، نمای یک شهر را از آنها گرفته اســـت. در شهری که خدمات شهری، مراکز صحی و بهداشتی، مراکز رفاهی و تفریحی وجود نداشته باشد، نمی توان مفهوم شهر را اســـتفاده کرد. کابل تبدیل به آلوده ترین شهر از نگاه آب و هوا، بی قانون ترین شـــهر از نگاه امنیت و ترافیک و خدمات شـــهری و بی برنامه ترین شهر از نگاه برنامه ریزی شده است.

خدمات شهری، صحت و بهداشت از حیاتی ترین پهنه های حیات اجتماعی بوده که دولت های مرفه و مســـئولیت پذیر بیشترین توجه را به آن مبذول می دارند. اما در افغانستان این امر مهم، در حاشیه هیاهوهای سیاست و امنیت بوده و دولت در خلوت برنامه های سیاسی اش به آن می پردازد. میزان بلند آلودگی هوا، مرگ و میر مادران و کودکان، شیوع بیماری های واگیردار و مصدومیت روانی عمومی جامعه، همه از پیامـــد های ناکارآمدی برنامه های دولت در این امر مهم می باشد.

نگاهی به وضعیت شـــهرها، و نماهای شهری به خوبی نشان می دهد که خدمات عمومی دولت بســـیار ضعیف بوده و دسترسی مردم به امکانات بهداشـــتی و صحی در سطح بسیار پایینی قرار دارد. ارائه خدمات عمومی به شـــهروندان و اســـتفاده و تقسیم عادلانه از امکانات از عمده ترین وظایف و مســـئولیت های دولت می باشد؛ محبوبیت، نفوذ و کارآیی حکومت ها نیز در کشورهای مدرن براساس شاخص «نحوه و میزان ارائه خدمات عمومی» قابل سنجش می باشد؛ حکومتی که خدمات عمومی خوب و گسترده را به شهروندان ارائه می دهند، از مقبولیت و محبوبیت بیشتری برخوردار بوده برعکـــس حکومتی که وقت و فرصت های خود را درگیر سیاســـت و امنیت می نمایند، از مقبولیت کمتر برخوردار بوده و حتی با خطر ازدست دادن مشروعیت مواجه می باشند.

اما متاسفانه در افغانستان مســـایل امنیتی و غایله های سیاسی فرصت توجه از ســـایر بخش ها را از حکومت گرفته و افزون برآن از ارائه خدمات عمومی اندک در ولایت ها و روستاهای دور دست نیز جلوگیری کرده اســـت. ناامنی مهمترین بهانه متصدیان امور صحت و معارف به عنوان سکتورهای اصلی خدمات عمومی بوده و همواره با همین بهانه از کـــم کاری ها و ناکارآمدی هایش فرار کرده اند.

در حال حاضر صرفا مردم در مرکز چند شـــهر مهم افغانستان به امکانات صحی و خدمات شـــهری دسترسی دارند و آنهم بیشتر به همت بخش خصوصی صورت پذیرفته اســـت. در حال حاضر بیشـــترین مراکز ارائه دهنده خدمـــات مطمئن صحی در کابل و شهرهای مهم، خصوصی بوده و مردم اولا کمتر به خدمات دولتی دسترسی دارند و دوم به دلیل کمبود امکانات و خدمات نامناسب به آن اعتماد نمی کنند. در ولایات و روســـتاهای دور افتاده که مردم بدلایل جوی و محیطی، نبود امکانات و خدمات عمومی در معرض آسیب های بیشتر قرار دارد، خدمات عمومی صحی کمتر می باشد.

بی توجهی حکومت باعث شـــده تا هزینه های هنگفتی از بودجه ملی و درآمد مردم به درمان و دارو به خارج از کشور انتقال یابد. بنابراین باید گفت که حکومت باید به مسئولیت اجتماعی خود پی برده و به این عرصه، خصوصا در بخش خدمات اجتماعی، بهداشت و صحت توجهی بیشتر نماید. بودجه سالانه سکتور خدمات رفاهی و شهری، و صحی افزایش یابد تا عرضه خدمات صحی و محیطی را در مرکز، ولایات و مناطق دور دســـت توسعه یابد و دوم وزارت صحت عامه باید بیشـــترین توجه خود را در مناطق و روستاهای آسیب پذیر مبذول بدارد.

توسعه و نقش آن در منازعات قومی

رضا احسانی

منازعات قومی و اتنیکی یکی از مشکلات عمده و طولانی مدت در کشـــورهای در حال توســـعه به شمار می رود. بسیاری از کشورها ســـالها در جنگ های داخلی و میان قومی مصروف بـــوده و به این دلیل از برنامه های توســـعه و نوسازی کشور بازمانده اند.

افغانســـتان یکی از کشورهایی است که بیشترین زیان و خسارت را از این ناحیه دیده اســـت. نظام های نامشروع سیاسی در افغانستان برای دوام سلطه و سیطره سیاســـی خود بر کشـــور به جای جلب حمایت های مردمی از طریق ارائه خدمات بهتر و آغاز برنامه های توسعه و نوسازی، در ســـطح داخلی به جنگ و نفاق قومی دامن زدند و به این صورت اساس تبعیض، بی عدالتی و ناروایی را در کشـــور بنیان گذاری کردند و تعدادی از اقوام ساکن در کشور را از تمام مزایا و فرصت های ملی محروم نگه داشـــتند و با تحمیل انواع و اقســـام مالیات بر مردم، آنها را مجبور به ترک خانه ها و محلات زندگی شـــان می کردند.

بدترین نمونـــه جنگ قومـــی را مردم افغانســـتان در زمـــان عبدالرحمن خان تجربه کردند؛ اما آثار و پیامدهای مخرب این جنگ تا هنوز هـــم بر زندگی و روان شـــهروندان افغانســـتان تأثیرگذار بوده و بوی تبعیض و بـــی عدالتی را در فضای جامعه پراکنده ساخته است. اگرچه امروزه هیچ فرد و ســـازمانی باتوجه به فرهنگ غالب بین المللی نمی تواند از برتری قومی و نژادی ســـخن بگوید؛ اما رسوبات باقی مانـــده از فرهنگ و تفکرات قوم محورانه هنوز هم ذهن و ضمیر بســـیاری از مردم و حتا نخبگان و سیاســـتمداران جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

در پانزده سال گذشـــته شعارها بر محور دموکراســـی، برابری و عدالت چرخیده است، ولی در عمل وابستگی های تباری و قومی روح مسلط بر تصمیم گیری ها و رویکردهای ملی بوده و احساس نابرابری و بی عدالتی را در فضای جامعه زنده نگه داشته است.

بســـیاری از مردم امروزه این احساس را دارند که در پانزده ســـال گذشته، اصل توازن در برنامه های انکشـــافی در نظر گرفته نشده و حق مســـلم آنها در روند بازسازی و توسعه به کلی نادیده گرفته شده است. سیاست های تبعیض آمیز و نا عادلانه در روندهای ملی نشـــان می دهد که مردم افغانســـتان هنوز هم در تارهای عنکبوتی قومی و نژادی گرفتار می باشند.

آنچه ما در عمل به آن مواجه می باشیم این است که مناســـبات میان قومی در سطوح پایینی جامعه نورمال بوده و شـــهروندان عادی همپذیری بیشتری نسبت به نخبگان و سیاســـتمداران جامعه نشـــان داده اند. مســـایل قومی، مذهبی و ســـمتی و سایر پدیده های نفاق افگنانه، اغلب از ســـوی نخبگان دامن زده شده و از لایه های بالایی جامعـــه به طرف لایه هـــای پایینی نفوذ و رسوخ کرده و مردم را به سمت نفاق قومی و سمتی سوق داده اند.

در تشـــریح رابطه میان توســـعه و کاهش منازعات قومی، بســـیاری از صاحبنظران معتقداند کـــه فرایند نوگرایی و توســـعه موجب اســـتحاله، ادغام و کمرنگی هویت های قومی گردیده و در کاهش کشـــمکش های قومی نقش ارزنده دارد. ولی تجربه یک و نیم دهه گذشته بیانگر آن است که فرایند توسعه و نوگرایی در جامعه ما یا ناقص بوده و یا در کاهش نابرابـــری های قومی کمتر نقش داشته است.

گزارش های تحقیقی نشـــان می دهد که با وجود این که افغانســـتان در برخی زمینه ها پیشـــرفت هایی داشته اســـت؛ اما این پیشـــرفت ها با نابرابری های بیشـــتری نیز همراه بوده اســـت. بسیاری از مناطق، ولســـوالی ها و ولایت هـــا در حالی که از مناطق امن به شـــمار می آمدند و مردم شان از فرایند توســـعه و بازسازی با جان و دل حمایت می کردند؛ ولی دولت کمتر به توســـعه این مناطق همت گماشته و از ظرفیت ها و زمینه هـــای موجود در این مناطق در راستای توسعه کشور بهره برده است.

بر عکس در مناطقی که اجرای پروژه های توسعه ای با چالش مواجه بوده و مردم آن مناطق با دولت کمتریـــن همکاری را هم نداشته اند، پروژه های زیادتری اختصاص یا فته است.

بر اســـاس نظریه اکثر دانشمندان در باره فرایند توسعه، کشـــمکش های قومی و اتنیکی خاص جوامع عقب مانده می باشد و این گونه جوامع چون از لحاظ ســـاخت اقتصـــادی و اجتماعـــی در مراحل عقب مانده تری قرار دارند؛ لذا در روند توسعه با مشکلات و موانع بیشتری مواجه اند.

بر اســـاس این نظریه در رونـــد مدرنیزه شـــدن جامعه، تفاوتهـــا و اختلاف های قومی به تدریج رنگ می بازد و نقش های کارکردی از علایق و وفاداری های سنتی اهمیت بیشتری می یابد و منافع عمومی و خصوصی بر اصول و ارزش های ســـنتی پیشی می گیرند.

در جامعه نوگرا، مذاکره، چانه زنی و گفتگو به عنوان یک اصـــل همه پذیر در زندگی سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته می شود و روحیه مدارا و تحمل گسترش می یابد و کثرت گرایی و احترام گذاشـــتن به خرده فرهنگ های وحدت ساز در جامعه در رفتارهای عمومی عینیت پیدا می کند. از آنجایی که مدرنیزه، پذیرش ارزش های دموکراسی، رشد صنعتی، رفاه اقتصادی و بالا رفتن ســـطح تحصیلات عالی را در پی دارد، ایـــن پارامترها خود به از میان بردن حساسیت های قومی در جامعه کمک می کند.

«هربرت اسپنســـر» از بنیانگذاران جامعه شناسی در قرن نوزدهم و از صاحبنظران مکتب تکامل اجتماعی، معتقد اســـت که جامعه انســـانی با گذشت زمان از توحش به تمدن و بـــا طی مراحل خاصی به حالت کنونی رسیده است و به طور کلی جوامع انســـانی دارایـــی روح ســـتیزه جویی و جنگجویی هســـتند و تنها با قدرت یافتن صنعت، آرامش بر جامعه سایه می اندازد. اسپنســـر، نوع جوامعی را کـــه رابطه ای سازگارانه دارند کشورهای صنعتی یا کوشا و نوع دیگر که رابطه ای ســـتیزه جویانه دارند، کشورهای جنگجو می نامد.

عقب ماندگی اقتصـــادی و صنعتی، عدم رشد ســـرمایه داری، فقدان تقسیم کار و قدرت رؤسای قبایل و اقوام، ناتوانی دولت مرکزی در برقراری امنیت پایدار، ضعیف بودن امکانـــات ارتباطی و تکنولوژیکی و وجود خرده فرهنگ های قومی در کل، به کشمکش های قومی دامن می زنند.

در همیـــن حـــال چنانچـــه توســـعه و مدرنیزاســـیون، موجب توسعه ناموزون و تعمیق و استمرار هرچه بیشتر محرومیت مناطق و اقوام محـــروم جامعه گردد، نه تنها ســـبب کاهش منازعات قومی نمی گـــردد؛ بلکه این رونـــد از آنجایی که با گسترش اطلاعات و ارتباطات، کتابخوانی، تحرک اجتماعی و... همراه می باشد، این امور در تلاقی بـــا محرومیت های تعمیق یافته جامعه، به خود آگاهی قومی منجر گردیده و در نهایت به تنش زایی اجتماعی می انجامد.

بنابراین چنانچه توسعه به صورت نامتوازن صورت گیرد و حقوق همه شهروندان در پروژه های بازسازی در نظر گرفته نشود و همه شـــهروندان از مزایای توسعه سود نبرند، این فرایند نه تنها به وحدت قومی در کشـــور نمی انجامد که موجب تشدید منازعات قومی در جامعه نیز می گردد.

افغانستان یک کشور پسا منازعه به شمار می آید. یک و نیم دهه می شود که با کمک های بین المللی پروسه بازسازی و نوسازی درکشور شروع شده است. از سوی دیگر افغانســـتان در گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مـــدرن قرار دارد. دوره گذار از لحاظ اجتماعی و اقتصادی با مشـــکلات و چالش هایی بیشـــتری نسبت به جوامع سنتی و صنعتی مواجه می باشد. سرشت درحال دگرگونی و تحول پذیر جوامع در حالت گذار، فضا و شرایط مساعدتری را برای بروز بحران های سیاسی و اجتماعی فراهم می سازد.

از اینرو افغانستان به لحاظ این که تاهنوز پیوندهای ناگسستنی با سنت های قبیله ای دارد و از ارزش هـــای مدرنیته کمتر آگاهی دارند، و از این که این کشـــور در حال گذار از ســـنت به تجدد و از فضای جنـــگ به زمینه های صلـــح و امنیت به ســـر می برند؛ لذا از لحاظ برخورد میان قومی در معرض آســـیب پذیری بیشتری قرار دارد. به این خاطر مقامات حکومتی باید نکته های آســـیب پذیر جامعه را در نظر گرفته و فرایند نوســـازی و توسعه را به صورت متوازن و عادلانه به پیش ببرند.

بررسی آسیب شناسی اداری در کشورهای در حال توسعه

دکتر احمد سرداری

با آغاز قرن بیست و یکم، ضرورت ایجاد تحول در نظـــام اداری و انجام اصلاحات ســـاختاری با وضوح بیشتری نمآیان می شـــود. در جهان متحول که منابع آن در برابرنیازها و انظارات، روز به روز کاستی می‌گیرد، دولتها برای کارآمد شدن تحت فشارهای شـــدیدی هســـتند و از ساز وکارهای گوناگون برای رفع مشـــکلات یاری گرفته‌اند. ابزارهای اصلاحی دولتها در زمینه های مختلف شکل گرفته‌اند اما از آن میان آسیب‌شناسی اداری، بیشترین کاربرد را درکشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه داشته است.

کشورهای توسعه نیافته به دلیل ضعفهای گوناگـــون در رده «نظامهای ناکارآمد» قرار دارند و این از مشـــخصه‌های مهمی است که وقتی با شـــراط دیگری جمع شـــود و در کنارآنها قرار گیـــرد عاملی در تثبیت وضعیت توســـعه نیافتگی و تشدید آن می شـــود؛ بنابراین، در نظام اداری ناکارآمد، انواع بی نظمی به صور و اشـــکال گوناگون ظهـــور می‌کنند: پیچیدگـــی بیش از حد، نارســـایی و نقض در قوانیـــن و مقررات و اجرای آنها، بی توجهی نســـبت به قوانین و دســـتورات مقامات و رده های بالا توسط ماموران و رده های مراتـــب پایین، ضعف نیروی انسانی، سازش کارگزاران دولتی با افراد وگروههای با نفوذ، شالوده‌های سست و نامتناســـب ســـازمانی، انحصار مشاغل، ضعف سیستم مدیریت و... که در نهایت این بی نظمیها و بـــه عبارت دیگر این الگوهای رفتاری مطابق با اصل علیت بسته، بر روی هم تاثیرگذاشـــته و حتی اثـــر یکدیگر را تشدید می نمایند.

نکتـــه مهم دیگری کـــه پرداختن به آن با تاکید برزاویای مختلف ضرورت دارد، این است که نظام اداری دراین گونه کشورها به علت عدم تعیین کمیت وکیفیت نظامهای اجتماعی و اقتصـــادی و فرهنگی عاری از مجموعه ارزشـــهای اجتماعی و اقتصادی و... بوده و نتیجـــه چنین کمبودهایی عدم موفقیـــت این نظام در بـــه کارکیری همه امکانات دســـتگاههای اجرایی و قوانین و مقررات به صـــورت مجموعه‌ای هماهنگ و جهت دار در خدمت اهداف جامعه خواهد بود.

آسیب شناسی اداری و تبعات آن

آســـیبهای اداری در قالب جرایمی چون اختلاس، ارتشاء، جعل، کم کاری و به صورت حجم کلی تخلف اداری به نام فساد اداری نامیده شده و پدیده جدیدی نیست، بلکه گذشتهٔ طولانی دارد و به تعبیری قدمت آن به اندازه دولت اســـت. به هر صورت، فساد اداری از دامنه ای جهان شـــمول برخوردار بوده وکشـــورهای زیادی اعم ازکشورهای صنعتی توســـعه یافته و بویژه کشورهای درحال توسعه را شـــامل می‌گردد. فساد زمینهٔ عدم اعتماد و وفاداوی مردم نسبت به دستگاه ها را موجب می شود، هزینه انجام کارها اضافه می شود و اعتقادات و ارزشهای اخلاقـــی جامعه رو به ســـستی می‌گراید. همچنین، ثبات و استحکام سیاسی جامعه به خطر خواهد افتاد. بنابراین، آســـیبهای فراوانـــی در تمامی لایه هـــای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشورها دربر خواهد داشت.

تعریف فساد اداری

رفتاری که از رفتار عـــادی و مورد قبول جامعه منحرف شده باشد فساد نامیده می شود. فســـاد معلول مجموعه ای از عوامل ساختاری و زیربنایی است. عوامل محیطی حاکم بر جامعه، از جمله عوامل اقتصادی، سیاســـی، اداری، فرهنگـــی و اجتماعی، جملگی در فراهم شـــدن بســـتر فساد موثرند؟ بنابراین، فساد امری است نسبی و با مشـــخصات جامعه خاص ارتباط دارد. واژه فساد Corruption معنای بسیاری را دربـــردارد ولی به طورکلی در این مقاله به سوء استفاده از موقعیت اداری در جهت نیل به اهداف شـــخصی تعریف می شود و مصادیقی چون اختلاس، ارتشاء، چاپلوسی و تملق، طرفداری از خویشاوندان، فریب وکلاهبـــرداری، کم کاری و... را شـــامل می‌گردد.

فســـاد طبـــق تعریفی کـــه در فرهنگ «وبستر»، آمده است عبارتست از›پاداش نامشروع که برای وادارکردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می شود.

«مک مولن» معتقد است فساد زمانی رخ می دهد که یک مامور دولت به ازای انجام کاری که از اقدام به آن نهی شـــده است، رشوه های نقدی و یا جنسی قبول کند.

«کارل فردریچ» مدعی است هرجا که فرد صاحب قدرتی که مسؤول اداره سازمانی اســـت بر اثر دریافت رشـــوه‌ای نقدی یا جنسی، اغوا شـــده به انجام کارهای غیر قانونی مبادرت ورزد، ایـــن فرد به منافع عمومی زیان رسانده است.

آســـیب های اداری کشـــورهای در حال توسعه

آســـیب موجب می شـــود که وفاداری و اعتماد مردم نسبت به دستگاههای دولتی و غیردولتی کاهش یابد، بی تفاوتی، تنبلی و بی کفایتی گســـترش یابد، هزینه انجام کارها اضافه شـــود و اعتقادات و ارزشهای اخلاقی جامعه متزلزل گردد. فساد زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار شده و باعث می شود که انگیزه تلاش و فعالیت سازنده برای پیشرفت و توسعه کشور نقصان یابد. بانک جهانـــی در تحلیل خود از علل بروز پدیده فساد اداری مجموعه ای از عوامل بنیادی اقتصادی، سیاســـی و ساختاری را موثر دانسته اســـت. فقر، فقدان تامین اجتماعی همراه با چشـــم اندازی نگران کننده درباره آینده، تورم روزافزون و روند پیوسته نزولی قدرت خرید مردم، بیکاری، میزان دخالت و نقش دولـــت در اقتصاد کشـــورها و نیز ویژگی‌های کشورهای در حال گـــذار از اقتصاد متمرکز به اقتصادی مبتنی بر بازار تغییـــر پی در پی قوانین و مقـــررات در نظام‌های اقتصادی بشـــدت مقرراتی، تمرکز اختیارات آشکار و پنهان مسؤولان دولتی در پذیرش و رد درخواست ها و صدور مجوزهای گوناگون برای آغاز یا ادامه فعالیتها، کنتـــرل قیمتها، تخصیص ارز و از همه مهمتر موقعیت ناشی از نظام بازرگانی خارجی و میزان دخالت دولتها در آن به عنوان فرصتهای موثر در زمینه سازی برای اختلاس شناخته شده اند.

ملاحظـــات راهبردی حاکمـــان حکومتی درکاهش، توقف یا مبارزه با آن

امروزه بســـیاری ازکشورها به دنبال از بین بردن فساد وکنترل آن هستند. آنها به این اقدامات بسنده ننموده بلکه از طریق نهادها و مراکز مستقل بین المللی راههای مبارزه با آن را در سطح جهانی وجه همت خود قرار داده اند.

نهادهای مســـتقل غیر دولتـــی از جمله شـــفافیت بین الملل در برلن آلمان، تنظیم قراردادهای منطقـــه ای از جمله قرارداد منعقده بین ۲۹ عضوکشـــورهای سازمان همکاری اقتصادی و توســـعه OECD در قالب قانـــون عملیات فســـاد خارجی، از جمله ابتکارات بین المللی در مبارزه جدی با مروجین و مرتکبین فســـاد اســـت. این ابتکارات بویژه با حمایتهای مالی ســـازمان جهانی تجارت WTO و صندوق بین المللی پول IMF این امکان را فراهم می آورد که در وهلهٔ اول از توســـعه فساد جلوگیری به عمل آید و درگامهای بعدی به پیشـــگیری فســـاد منجرگردد؛ بنابرایـــن، در تمامی کشورها می توان چند عامل را که بر میزان فساد تاثیر دارند تعیین کرد؛ از جمله:

الف نقش دولت و مجموعـــهٔ ابزارهایی که برای ایفای این نقش به کار می‌گیرد؛

ب ویژگیهای اجتماعـــی جامعه؛ از جمله اینکه درمناســـبات اجتماعی و اقتصادی تا چه حد روابط مبتنی بر ضابطه و بی طرفی رواج دارد؛

ج ماهیت نظام سیاسی؛

د نظام کیفری کشـــور برای مفاســـدی که کشف می شوند.

به هر صورت وجود زمینه برای فساد و بویژه توســـعه آن با توجه به مجموعه عواملی که به آن اشاره شده می توان به طور اختصار پیآمدهای زیر را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به همراه داشته باشد:

۱-کاهش رشد اقتصادی به واسطهٔ:

۲-افزایش تشـــریفات اداری و توســـعهٔ بوروکراســـی و در پـــی آن افزایش هزینه مبادله؛

۳-افزایش قوانیـــن و صدور آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های متعدد و متناقض؛

۴-ایجاد و گســـترش عدم ثبات سیاسی به جهت دامـــن زدن به نارضایتی عمومی و کاهش اطمینان محیطی؛

۵-کاهش مقبولیت و مشروعیت کارگزاران و توسعه بی‌اعتمادی.

کارتون روز

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma

❑ بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

روزنامهٔافغانستان ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com